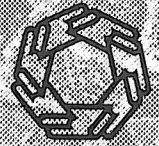


سیر تکون تلمود

باقر طالبی دارابی

«اگر در میان تو امری که حکم به آن مشکل شود به ظهور آید... آنگاه برخاسته به مکانی که خدایت یهوه برگزیند برو* و نزد لویان کهنه و نزد داوری که در آن روزها باشد، رفته، مسئلت نما و ایشان تو را از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت* و بر حسب فتوایی که ایشان از مکانی که خداوند برگزیند برای تو بیان می‌کنند، عمل نما و هوشیار باش تا موافق هر آن چه بر تو تعلیم دهند عمل نمایی* موافق مضمون شریعتی که به تو تعلیم دهند و مطابق حکمی که به تو گویند عمل نما و از فتوایی که برای تو بیان کنند، به طرف راست یا چپ تجاوز مکن*»^۱

دین و دین داری هیچ‌گاه از حیات مادی و معنوی انسان جدا نبوده است. دین به هر معنایی که تعریف شود و تدین به هر شکلی که ترسیم گردد، مقوله‌ای جدایی‌ناپذیر از فرآیند تکاملی انسان است. شناخت مصادیق مقوله دین مستلزم پژوهشی ژرف در هفت آسمان معنوی و برجیدن خوشه‌ای از این هستی روحانی است. در این راه باید از حصار تنگ تعصبات نابه‌جا که مانعی بزرگ بر سر راه دین پژوهی است، رهید و پای در عرصه‌ای نهاد که رنج تحقیق و تفحص آن راه، سرانجامی شیرین و آکنده از رضایت و آرامش باشد. نگاه ما در اینجا نگاهی پدیدار شناسانه است و از حق و باطل و یا صدق و کذب گزاره‌ها که وظیفه دین پژوهی ارزش داورانه است، سخن نمی‌گوییم.



محور و موضوع اصلی این پژوهش، یکی از مؤلفه‌های اصلی شریعت یهود است: دینی که به نظر صاحب این قلم آموزه‌های مشترک آن با اسلام بیشتر از هر دین دیگری است. برخلاف مسیحیت، که مدعی است «یوغ شریعت»^۱ را از گردن پیروان مسیح برداشته است، یهودیت نه تنها از شریعت به یوغ تعبیر نمی‌کند، که آن را تنها راه نجاتی می‌شمارد که «تجاوز» از آن ممنوع است.^۲ تأکید یهودیت بر شریعت و پیروی از تعالیم و احکام کتاب و سنت، تداعی کننده تأکید اسلام بر کتاب و سنت نبوی (ص) و تعالیم ائمه اطهار (ع) است. با اندک مسامحه‌ای می‌توان کتاب و سنت اسلام را با «شریعت مکتوب»^۳ و «شریعت شفاهی»^۴ یهود مقایسه کرد، در عین حال که ممکن است تفاوت‌هایی نیز با هم داشته باشند. قوم یهود که همواره مطابق شریعت موسوی زندگی می‌کرد، به «کتاب»، یعنی همان تورات یا به طور کلی تر «عهد عتیق»^۵ نگاهی ویژه داشت. آنان همه چیز خود را در تبعیت محض از فرامین و احکام آن می‌دانستند و از تورات به حیات و زندگی یهود تعبیر می‌کردند. از این رو یکی از دغدغه‌های فکری عالمان یهود، یافتن راه کارهای مناسب برای استفاده بهتر از این منبع وحیانی و منشأ حیات معنوی قوم یهود بود. در میان فرقه‌های مختلف یهودیت که با گذشت زمان شکل گرفتند، تنها فرقه «صدوقیان»^۶ بر خلاف دیگر فرقه‌ها، به اینکه موسی علاوه بر شریعت مکتوب یک «سنت شفاهی»^۷ نیز به یادگار گذاشته، اعتقادی نداشتند. البته وقتی از سنت شفاهی یهود سخن می‌گوییم، چیزی فراتر از صرف سنت شفاهی موسوی منظور است. آنچه امروز از سنت یهودی مد نظر است، مجموعه‌ای از نظرات و فتاوی فقیهان و عالمان یهود نیز هست، و به نظر می‌رسد که افتراق میان سنت، در آموزه‌های اسلام با شریعت یا سنت شفاهی در یهودیت،

1. the Yoke of law

۲. سفر تثنیه، ۱۷: ۱۲-۱۷.

3. Written law

4. Oral law

۵. Testament، کتاب عهد عتیق از نگاه یهودیان به سه قسمت تقسیم می‌شود. ۱. تورات: پنج کتاب اول که به اسفار خمسه یا پنج کتاب موسی معروف هستند و عبارتند از: سفر پیدایش، خروج، لایوان، اعداد و تثنیه. ۲. انبیاء شامل هشت کتاب درباره انبیای بزرگ (از یوشع تا حزقیال) و دوازده کتاب درباره انبیای کوچک (از کتاب هوشع تا آخرین کتاب عهد عتیق، ملاکی نبی).

۶. sadducees. اینان به زدوک (صدوق) نسل اعلای خاندان احبار و روحانیان برمی‌گردند و متأثر از فرهنگ یونانی‌گرایی (هلنیزم) بودند. از عقاید معروف آنها اعتقاد به اسفار خمسه و نفی اعتبار بقیه کتب عهد عتیق و شریعت شفاهی است. صدوقیان در زمان خود پرچمدار نو اندیشان بودند و بر آن بودند تا دیانت را با محک فلسفه بیازمایند. صدوقیان طلایه داران عقل‌گرایی و سمبل فلسفه عقلانی شدند و فریسیان یکی دیگر از فرقه‌های یهودی، پیش قراولان سنت پرستی. ر.ک: رضی، هاشم، ادیان بزرگ جهان، ص ۴۴۵ و ۴۴۶.

7. Oral tradition

اساساً در همین نکته باشد. در اینجا مجال آن نیست که از تفاوت‌های مفهومی و مصداقی سنت در نگاه اسلام و یهودیت سخن بگوییم و آن را به فرصتی دیگر وا می‌نهمیم.

کاربرد سنت شفاهی در یهودیت، بیشتر در تأویل و تفسیر نص و تجزیه و تحلیل واژگان، اصطلاحات و عبارات «کتاب» است. با گذشت زمان و دور شدن از عصر نزول، بسیاری از واژگان و اصطلاحات برای نسل‌های بعدی غریب، نامأنوس و مشکل‌آفرین می‌شود. از این رو، همیشه تلاش شده است که معانی، شرح یا تفسیری را که مخاطبان اولیه متون مقدس گفته‌اند یا از طرف پیامبر یا اصحاب او نقل کرده‌اند، حفظ، ثبت و ضبط شود، تا در آینده به کار تفسیر و تأویل متون آید. در این راه، یهودیان که اتکایی بس عظیم به شریعت مکتوب داشته‌اند، همتی بلند نشان داده و تلاش بسیار کرده‌اند. شریعت موسوی مانند هر آیین دیگری به چارچوبهایی که با توسل به آنها بتوان مشکلات فهم متون را حل کرد، یا به تعبیر دیگر، به سنتی زنده و پویا که عالمان و خبرگان در هر دو شریعت شفاهی و مکتوب عهده دار انتقال آن به دیگران باشند، سخت نیازمند بود و این مهم مورد تأکید تورات نیز هست: «نزد لاویان کهنه و نزد داوری که در آن روزها باشد، رفته، مسئلت نما و ایشان تو را از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت»^۱.

این ضرورت و این نوع تلقی از «شریعت»^۲ مبنای فکری و اعتقادی تدوین و تألیف مجموعه‌ای گردید به نام «تلمود»^۳ که گذشته از جایگاه رفیع آن نزد یهودیان، در حیات معنوی این قوم نیز نقش بنیادینی ایفا کرده و می‌کند. «کلمه تلمود به معنای «آموزش» از فعل ثلاثی عبری «لَمَد» یعنی «یاد داد» می‌آید و با واژه «تلمیذ» و مشتقات آن - که در زبان عربی رباعی هستند - ارتباط دارد»^۴. تلمود کتاب بسیار بزرگی است که احادیث و احکام یهود و فتاوی فقیهان این قوم را در بر دارد. تلمود نماد عقلانیت، تفکر، اجتهاد، فقه، کلام و در یک کلمه سمبل ادبیات دینی یهود است. سخن گفتن از تلمود، سخن گفتن از تاریخ اندیشه و فرآیند رو به رشد اجتهاد یهود است. تلمود اثری دیر پاست که ریشه در تاریخ و متن حوادث واقعه در زندگی پرمشقت یهودیان بویژه عالمان، فقیهان و حکیمان این قوم دارد. تلمود آمیزه‌ای است از زبان آرامی عبری و مجموعه‌ای است در دو عنوان جداگانه، که خود، گواهی است بر آوارگی قوم یهود و حکایتی است از عصر «پراکندگی»^۵ حاکمیت

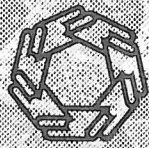
۱. سفر تثنیه، ۱۷: ۹.

3. Talmud

۲. توفیقی، حسین، نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۱۰۳.

2. The law

5. Diaspora



رومیان و ظلم لشکریان روم؛ «تلمود بابلی»^۱ و «تلمود فلسطینی»^۲ نشانه جدایی، دوری و آوارگی یهودیان در سرزمین بابل و فلسطین هستند. اما به تلمود از زاویه‌ای دیگر نیز نگریسته و در توصیف آن چنین گفته شده است: «برخی از بیانات تلمود با ارزش، بعضی نازیبا و برخی دیگر کفر می‌باشند. ولی در همان شکل به هم آمیخته‌اش تشکیل دهنده اثری است فوق‌العاده در مورد تلاش انسان، خرد انسان و حماقت انسان».^۳

در این نوشتار، ما در پی معرفی اجمالی این مجموعه عظیم و بااهمیت - کتابی که از آن به «وطن منقول و قابل حمل یهود»^۴ تعبیر شده است - هستیم. در ادامه، از سیر تاریخی گردآوری و تدوین «میشنا»^۵ و «تلمود»، فعالیت‌های علمی و حوزوی در این مسیر، عالمان و فقیهانی که در تدوین تلمود نقش اصلی را ایفا کرده‌اند و نیز از مطالب دیگری مانند تفاوت‌های تلمود بابلی و فلسطینی، طبقه بندی مطالب تلمود، زبان، تفسیرها و چاپ و نشر این کتاب سخن خواهیم گفت.

سیر تاریخی گردآوری و تدوین تلمود

الف) انهدام معبد و آوارگی یهود

اداره امور دینی و انجام مراسم عبادی - مذهبی در «عصر معبد»^۶ و تا قبل از انهدام آن توسط لشکریان روم در سال ۶۹ یا ۷۰ م. در فلسطین متمرکز بود و مسؤولیت پاسخ‌گویی به سوالات شرعی به عهده شورای بزرگ عالمان یهود، «سنهدرین»^۷ بود. شرح و تفسیر تورات توسط این شورا صورت می‌گرفت و هم ایشان با اجتهاد، شرح و تأویل نص پاسخگوی مسایل مستحدثه بودند. اما دیری نپایید که شکوه و عظمت حاکمیت دینی و سیاسی یهودیان بر سرزمین فلسطین، بار دیگر پس از حمله لشکریان «بختنصر»^۸ (۵۹۷ ق.م.) توسط سپاهیان روم درهم کوبیده شد و بساط سنهدرین برچیده گشت؛ و

1. Babylonian Talmud

2. Palestinian Talmud

۳. بار کلی، جوزف (ر.ک: ظفر الاسلام خان، نقد و نگارش به تلمود، ترجمه رحمتی، محمد رضا، ص ۸۸).

۴. هاینه، هاینریش (Heinrich hiene)؛ ر.ک: زرین کوب، عبد الحسین، در قلمرو وجدان، ص ۱۷۵.

5. Mishnah

6. Temple era

7. Sanhedrin

۸. بختنصر که کتاب مقدس از او به «نبوکد نصر» یاد می‌کند، بنا به گفته عهد عتیق (کتاب دوم پادشاهان) «با تمام لشکر خود در روز دهم از سال نهم سلطنت خویش بر اورشلیم برآمد» و با به اسارت در آوردن صدقیا پادشاه یهود، تمامی سکنه شهر اورشلیم را به استثنای ارمیای نبی و مشت‌های از بینوایان و ناتوانان، به اسارت کوچ داد. این اسارت را جلای بابل یا اسارت بابلی (Babylonian Exile) می‌نامند.

معبد، این کانون اجتماعات مذهبی و عبادی، منهدم گردید. اکثر یهودیان از سرزمین فلسطین رانده شدند و دوران «پراکندگی» فرا رسید؛ دورانی بس سرنوشت ساز و در عین حال پر از درد و رنج، برای قومی که طبق تعالیم دینی خود، اتکایی بسیار زیاد بر معبد، فقیهان دین و سرزمین خود دارد. اینک جامعه یهودی با چالشی بزرگ مواجه بود، چالشی که آینده حیات معنوی قوم را سخت تهدید می کرد. حال قوم یهود با این پرسشهای اساسی روبه رو بود که: چگونه باید اعمال عبادی خود را که بسیاری از آنها بر معبد و سرزمین فلسطین متکی است، به جای آورد؟ در نبود سنهدرین، مسایل شرعی خود را چگونه و با مراجعه به چه کسانی حل و فصل نماید؟ و از همه مهم تر، تورات که منبع اصلی حیات معنوی قوم یهود است - و در نظر آنها، تمسک به آن و عمل به احکامش به عنوان تنها راه نجات است - در حصار تنگ کلمات و عبارات چگونه می تواند پاسخگویی نیازمندیهای دنیوی و اخروی این قوم باشد؟

ب) آغاز فعالیت حوزه های علوم دینی یهود

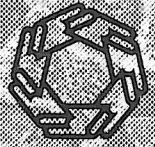
بزرگان قوم یهود، بعد از انهدام معبد، برای دوران «پراکندگی» راه کارهایی را جستجو کردند. آنها تلاش کردند تا مشکلات را حل کنند و پاسخهای مناسبی برای این سؤالات اساسی بیابند. فقیهان یهود که به «ربی» یا «راو»^۱ شهرت داشته اند عهده دار این وظیفه خطیر شدند. جمعی از آنها پای در جای سنهدرین گذاشته و از آن پس شرح و تفسیر تورات را به عنوان یک تکلیف شرعی پذیرا شدند و بر مسند فتوا تکیه زدند. اینان در فلسطین و در جمع اندک یهودیان باقیمانده در آن دیار و در بابل - تبعیدگاه یهودیان - به تدریس، تفسیر و تأویل تورات یا شریعت مکتوب پرداختند. این دوره یعنی «اواسط قرن سوم میلادی، دقیقاً زمانی است که ریاست عقلانی و معنوی قوم یهود به بابل رفته و در آنجا مستقر شده است»^۲ و یهودیان تبعیدی این سرزمین با بهره گیری از فضای باز و آزاد سرزمین «پارس» که آن زمان تحت حاکمیت ساسانیان زرتشتی مسلک بود، تلاش بسیار روا می داشتند و در عین غربت و دوری از وطن به روزگاری که این قوم «قدر ببیند و بر صدر نشیند» می اندیشیدند.

جان ناس واقعه را این چنین شرح می دهد:

۱. Rabbi یا Rav؛ رَبی، رَبن یا رَبان، لقب فقیهان فلسطینی و راو لقب فقیهان یهودی بابل می باشد. امروزه به همه آنها حاخام یا حاخام اطلاق می گردد.

۲. ناس، جان، بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۵۵۹.





«در سال ۶۹ [یا ۷۰] م.^۱ که لشکر روم اورشلیم را محاصره کرد، یکی از ربی‌ها به نام «یوحنان بن زکای»^۲ از آنجا فرار کرده به شهر ساحلی «بینه»^۳ رفت و در آنجا یک نوع دارالتعلیم ایجاد کرد که آن را به زبان عبری «مدراش»^۴ گفته‌اند. وی در صدد برآمد که در آنجا حیات ادبی قوم خود را به وسیله تنظیم و تدوین شرایع و اصول آیین موسوی بقا و ثبات بخشد. از هر طرف، شاگردان مستعد و فضیلابی باذوق نزد او گرد آمدند و با جدی وافر و جهدی مستمر، به تفسیر کتب مقدس باستانی قوم و جمع آوری و تدوین اخبار و روایات اسرائیلی مشغول گشتند. در آن هنگام که شورای سنهدرین از میان رفته بود. وی شورایی دیگر از علما تشکیل داد و به ضبط و ثبت تواریخ ایام و تقویم سالیانه یهود پرداخت و سپس به تألیف و نگارش نظامات و قواعد ملت یهود شروع کرد».^۵

و این آغاز راهی بس طولانی به درازای چند قرن بود که لحظه لحظه آن پر از حوادث خوش و ناخوش است. اگر چه ریاست شورایی که «زکای» تأسیس کرده بود، از سوی رومیان به رسمیت شناخته شد و رئیس آن لقب «بطرک» (پاتریارک)^۶ گرفت، امّا این حوزه «شصت سال»^۷ بیشتر دوام نیاورد و کارهای بزرگ و ناتمام او بر دوش آن دسته از «بازماندگان قلیلی افتاد که با طومارهای اوراق و مکتوبات خود، به شهر جلیل کوچ کردند».^۸

ج) گرد آوری میشنا

با گسترش فعالیت علمی حوزه‌های یهود در جلیل و ظهور عالمان بزرگ و برجسته‌ای نظیر «ربی مایر»^۹ و «ربی یهودا هتاسی»^{۱۰}، مدارس علمیه یهودی رونق یافت و در طی چند قرن، شش نسل از ربی‌ها در همین حوزه‌ها و مدارس علوم دینی، به شرح، تفسیر و تأویل تورات پرداختند. اینان که در زبان عبری به تناییم^{۱۱} (آموزگاران شریعت) شهرت داشتند، حجم وسیعی از شرح و تفسیرهای گوناگون که هنوز به صورت شفاهی بود، فراهم

۱. در تاریخ نگاری یهود برای نمایش این تاریخ از علامت اختصاری c.a (به معنای Crist era) عصر مسیح یا دوره مسیح استفاده می‌شود.

2. Rabbi Yohanan Ben Zakkay

3. Yavneh.

4. Midrash

۶ همان، ص ۵۵۶

۵ تاریخ جامع ادیان، ص ۵۵۶

۸. همان، ص ۵۵۷

۷. همان، ص ۵۵۷

9. Rabbi maeir

10. Rabbi Juda Ha-nassi

11. Tannaim

آوردند. بعدها با تلاش «یهودا هناسی» حاصل تلاش این عالمان در مجموعه‌ای شامل تمامی شریعت شفاهی و بعضی از نظرات شخصی خود او، با نام «میشنا»^۱ یا «میشنای کبیر یهودا هناسی» ظهور کرد.

میشنا از ریشهٔ عبری «شانو»^۲ به معنای «تکرار کردن» است و به تعلیمات شفاهی یعنی آنچه به وسیلهٔ تکرار کردن می‌توان فراگرفت، اشاره می‌کند. این اسم در مقابل «میقرا»^۳ که به معنای قرائت متن کتاب مقدس (شریعت مکتوب) است، آورده می‌شود و از این رو، میشنا بر تمامی احکام شرعی «تورات منقول یا شفاهی»^۴ که توسط فقیهان یهود طی قرن‌ها از «اسفار خمسه»^۵ یا «تورات مکتوب»^۶ استخراج شده‌اند، اطلاق می‌شود.^۷ زبانی که میشنا به آن زبان نوشته شده است «شکلی از زبان عبری بومی است که با زبان عبری کتاب مقدس [عهد عتیق] فرق دارد. صفت مشخص میشنا موجب بودن جملات و فقدان پیرایه‌های ادبی در آن است».^۸

فهرست مطالب میشنا

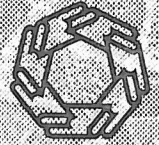
- میشنا در شش بخش، یا به زبان عبری شش «سیدر»^۹ و به ترتیب ذیل تدوین شده است:
۱. زراعیم^{۱۰} (بذرها) در یازده رساله: در این بخش، از مسایل مربوط به کشاورزی، غذاها، سرزمین فلسطین و مسایل متفرقهٔ دیگر سخن به میان آمده است.
 ۲. موعید^{۱۱} (عیدها) در دوازده رساله: دربارهٔ روز سَبْت^{۱۲} (شنبه) و مناسبتها و اعیاد سال.
 ۳. ناشیم^{۱۳} (زنان) در هفت رساله: دربارهٔ مسایل و احکام مربوط به ازدواج، طلاق، نذر و قسم.
 ۴. نزاقین^{۱۴} (خسارتها) در ده رساله: دربارهٔ حقوق مدنی و کیفری، ساختار قضایی و دادگاههای حقوقی و کیفری و آیین دادرسی.

- | | |
|-----------------------------|---------------|
| 1. Mishnah | 2. Shanoh |
| 3. Miqra یا Meghra | 4. Oral Torah |
| 5. Pentateuch (Tanakh عبری) | |
| 6. Written Torah | |

۷. کهن، الف، گنجینه‌ای از تلمود، حی، یهودا، ص ۱۵.

۸. همان، ص ۱۵.

- | | |
|------------|--------------|
| 9. Seder | 10. Zeraim |
| 11. Moed | 12. Sabbath |
| 13. Nashim | 14. NeZaghin |



۵. قداشیم^۱ (مقدسات) در یازده رساله: درباره معبد و مراسم عبادی تقدیم قربانی.
۶. طهاروٹ^۲ (طهارت) در دوازده رساله: درباره احکام طهارت و نجاست شرعی.

«گمارا»^۳ یا تفسیر میشنا

فقیهان یهود با تلاش و جهد وافر خود، اجازه ندادند تورات در حصار تنگ کلمات باقی بماند. آنان با شرح و تفسیر، و با اجتهاد خویش نص تورات را پویا ساخته و آن را برای مسایل و نیازهای روز جامعه یهود پاسخگو و انعطاف پذیر نمودند. از این همه تلاش که در راه تفسیر تورات برداشته شد، مجموعه‌ای عظیم به نام «میشنا» برای نسلهای بعدی و تا به امروز باقی مانده است.

اما میشنا بسیار گسترده و در عین حال از ایجاز و اختصاری شدید در عبارات و جملات برخوردار بود؛ این ایجاز و اختصار مفرط و بیش از اندازه بدان خاطر بود که از برکردن آن برای حافظان آسان تر شود. از این رو، میشنا «برای کسی که به تاریخ و سوابق زندگی یهود معرفتی نداشته باشد، به نحو عاجز کننده‌ای مختصر و مبهم است».^۴ این ایجاز و ابهام، عده‌ایی از فقیهان را بر آن داشت که به شرح و تفسیر آن روی آورند. اینان که به اموراییم^۵ (شارحان) ملقب بودند، همانند شش نسل پدید آورندگان میشنا یعنی تناییم، طی شش نسل تلاش فکری و فقهی خود، دو اثر گرانبها را به جامعه یهود تقدیم داشتند.

اموراییم بابل و فلسطین، همان کاری را که تناییم آن دو دیار در قبال تورات انجام داده بودند، درباره میشنا کرده‌اند؛ یعنی اگر تناییم به شرح و تفسیر و روزآمد کردن تورات پرداختند و در نتیجه «میشنا» را به جامعه عرضه داشتند، اینان به توضیح و تبیین میشنا و اجتهاد در تعالیم آن همت گماردند، که ثمره تلاش آنها دو تفسیر یا دو «گمارا» تحت عناوین «گمارای اورشلیم»^۶ از اموراییم فلسطین و «گمارای بابلی»^۷ از اموراییم بابل بود. این دو تفسیر، صرف نظر از تفاوتی که از نظر مکان کتابت و هویت تدوین کنندگان دارند، از لحاظ کمی و کیفی نیز با هم تفاوت‌هایی دارند، که از افتراق کمی آن دو می‌توان به اختلاف در حجم مطالب هر یک اشاره کرد؛ گمارای اورشلیم در مقایسه با گمارای بابلی

1. Codashim

2. Teharoth

3. Gemara

۴. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴؛ بخش اول، ص ۴۴۷.

5. Amoraim

6. Jerusalem gemara

7. Babylonian gemara

از حجم مطالب کمتری برخوردار است و این تفاوت به حدی است که حتی نقل شده است که «تفسیر بابلی یازده برابر خود میشناسست».^۱

با گذشت زمان، طی حدود ۱۵۰ سال، با کار جدی و جرح و تعدیل‌های سابوراییم^۲ (استدلایان) تفسیر بابلی متحول گشت و در قرن پنجم میلادی به شکل مجموعه‌ای به نام «تلمود بابلی» مرکب از میشنا و گمارای بابل، در آمد. در مقابل، با ادغام گمارای اورشلیم و میشنا «تلمود اورشلیمی یا فلسطینی» شکل گرفت. وجه مشترک هر دو تلمود، میشنا، و نقطه افتراق آنها گماراست. در اینجا پیش از پرداختن به معرفی اجمالی سرشناس‌ترین اموراییم این شش نسل، که در تدوین تلمود نقش اساسی را ایفا کرده‌اند، تفاوت‌های تلمود بابلی و اورشلیم را مرور می‌کنیم.

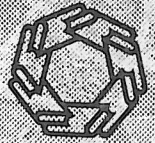
تفاوت‌های تلمود بابلی و تلمود فلسطینی

علاوه بر تفاوت‌هایی که ذکر شد، می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

۱. تلمود اورشلیمی یا فلسطینی، از مباحثی نظیر مسایل مربوط به سرزمین فلسطین، و وضعیت کشاورزی در آن مرز و بوم، به اطناب سخن می‌گوید، در حالی که در تلمود بابلی از این گونه مباحث سخنی به میان نیامده است.
۲. برخلاف تلمود بابلی که پر از حکایات، داستان و افسانه است، در تلمود اورشلیم از این قبیل موارد کمتر می‌توان سراغ گرفت.
۳. گذشته از ناهمگونی در سازمان دهی موضوعات و روشهای فکری و تحقیقی، هر دو تلمود، از نظر کیفیت تدوین نیز متفاوت‌اند؛ انشای تلمود بابلی با احتیاط زیاد و صرف وقت صورت پذیرفته است؛ در حالی که شتاب در ویرایش و عدم دقت و صرف وقت لازم و کافی از مشخصات بارز تلمود فلسطینی است.
۴. از لحاظ تاریخی نیز تلمود بابلی و اورشلیمی با هم تفاوت دارند؛ تلمود بابلی بعد از تلمود اورشلیم تدوین شد و از این رو، در مقایسه با آن از اعتبار بیشتری برخوردار است.
۵. روشهای تحقیقی و تعلیمی تلمود بابلی با توجه به قلمرو وسیع و تحلیل عقلانی دقیق آن، نسبت به تلمود فلسطینی، فضای بازتری برای بسط و توسعه مباحث فکری و عقلی فراهم آورده است.

۱. تاریخ تمدن، ج ۴، بخش اول، ص ۴۴۷.





۶. و آخرین نکته این که: تا قرن‌ها توجه جهانیان به تلمود بابلی معطوف بود و تنها در این صد ساله اخیر، علائق نهفته نسبت به تلمود فلسطینی بیدار گشته است؛ اما با این همه، هنوز از تلمود فلسطینی به عنوان یک منبع درجه دوم بعد از تلمود بابلی یاد می‌کنند.

چهره‌های برجسته شش نسل از امورییم

۱. نسل اول

«راو» (نام اصلی: ابا اریخا)^۱ متوفای ۲۴۷ م. او پایه گذار حوزه علمی شهر «سورا»^۲ بود.

«سموئیل»^۳ متوفای ۲۵۴ م. او مدرسه علمیه نحاردیه^۴ (یا نهر دعا) را پایه گذاری کرد. این مدرسه بعدها به «پامبدیتا»^۵ نقل مکان کرد.

۲. نسل دوم

«راو جودا»^۶ متوفای ۲۹۷ م. وی بعد از «راو»، ریاست مدرسه علمی سورا را به عهده گرفت.

«راو یهودا» (ابن حزقیال)^۷ متوفای ۲۹۹ م. او رئیس حوزه علمی پامبدیتا بود.

۳. نسل سوم

«راو حیسدا»^۸ متوفای ۳۰۹ م. رئیس حوزه علمی سورا.

«راو نحمان» (ابن یعقوب)^۹ متوفای ۳۲۰ م. قلمرو فعالیت او نحاردیه (نهر دعا) بود. او از عنوان «قاضی» که ظاهراً عنوانی است برای رهبری غیر دینی یهودیان بابل یعنی رأس الجالوت برخوردار بود.^{۱۰}

«ربا» (ابن نحمانی)^{۱۱} متوفای ۳۳۰ م. او مشهورترین استاد این نسل است که ریاست مدرسه علمی پامبدیتا را بعهده داشت. او را به خاطر تواناییهای بسیار بالایش در مناظرات و احتجاجها، «ریشه کن کننده کوهها»^{۱۲} لقب دادند.

1. Rav (Abba Arikha)
3. Samuel

2. Sura

۴. ر.ک: گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۱، (Nehardea).

5. Pumbedita

6. Rav Huna

7. Rav Judah (bar Ezekiel)

8. Rav Hisda

9. Rav Nahman (bar Jacob)

10. Exilarch

11. Rabbah (bar Nahmani)

12. «Uproooter of mountains»

۴. نسل چهارم

«آبای»^۱ متوفای ۳۳۹ م. او رئیس حوزه علمیه پامبدیتا بود.
«راوا»^۲ (ابن یوسف بن هاما) متوفای ۳۵۲ م. او پایه گذار حوزه علمیه «ماهوزا»^۳ بود.

۵. نسل پنجم

«راو پاپا»^۴ متوفای ۳۵۷ م. شاگرد آبای «وراوا» که رهبری حوزه علمیه «نارش»^۵ را به عهده داشت.

۶. نسل ششم

«راو آشی»^۶ متوفای ۴۲۷ م. رئیس سرشناس و برجسته حوزه علمیه سورا، که نامش در تاریخ تنظیم و سامان دهی تلمود، می درخشد.

طبقه بندی مطالب تلمود

از ویژگیهای بارز و برجسته تلمود، احتجاجها، استدلالها و مباحثات غامض، پیچیده و سرشار از تعقید آن است. بعضی از مباحثات تلمود، همان مباحثی هستند که اموریبم طرح کرده اند، اگر چه احتمالاً به هنگام تنظیم و سامان دهی باز سازی شده اند. تلمود، بر خلاف میشنا، خود را به بیان خلاصه ای از دیدگاههای متناقض و گوناگون، محدود نساخته و در پی شرح و بسط دیدگاههای اساسی و کلان و در بعضی مواقع نظریه های خرد و جزئی تناییم و اموریبم، بر آمده است.

با این همه، تلمود اثری متجانس و یکدست که حاصل کار یک نویسنده باشد، نیست. تلمود حاصل و ثمره تقریر اندیشه ها و گفتار فقیهان زیادی است که در یک دوره نسبتاً طولانی می زیسته اند و هدف هیچ کدام از آنها خلق یک اثر مدون نبوده است. به همین دلیل، ما در تلمود با مباحث و موضوعات پراکنده و غیر مرتبطی مواجه می شویم که در برگیرنده طیف وسیعی از دیدگاهها و علایق تلمودیان است. در تلمود نمی توان از گرایش روشن یا هدف خاصی سراغ گرفت. به طور کلی، هر بحث تلمود، نسبت به دیگر مباحث، در عین حال که دارای نوعی علقه و ارتباط هست، اما بیگانه و مستقل می نماید.

از سوی دیگر، از نحوه و روش بیان مطلب که در تلمود به استخدام گرفته شده، یعنی شکل نقل قول مستقیم نظیر «آبای می گوید...» یا «ربا بیان می دارد...» برمی آید که اثر

1. Abaye

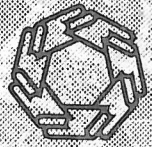
3. Mahoza

5. Narsh

2. Rava (Bar Joseph Bar Hama)

4. Rav PaPa

6. Rav Ashi



مزبور تاریخچه نظرات فقیهان اعصار گذشته یهود نیز هست. از ویژگیهای دیگر تلمود می‌توان به فضای آزاد حاکم بر مباحث تلمود نیز اشاره کرد؛ طرح ابهام و ایراد شبهه نه تنها مجاز که از نظر تلمود مطالعه و تحقیق پیرامون مسایل مختلف و طرح ایراد و اشکال یک ضرورت پژوهشی و لازمه علم آموزی است. از نظر تلمود، هیچ پرس و جویی ناصواب نیست و از طلبه انتظار می‌رود حتی در خود تلمود تأمل کرده، آن را زیر سؤال برده و به نقد بکشد.

هلاخا و آگادا

از مباحث مربوط به تقسیم بندی مطالب تلمود، باید به دسته‌بندی مطالب به «هلاخا»^۱ و «آگادا»^۲ نیز اشاره کرد. «هلاخا» به آن دسته از مطالب تلمود که درباره شریعت و احکام شرعی است، اطلاق می‌شود. می‌توان گفت که هلاخا در واقع همان فتاوا و نظرات فقهی عالمان یهود است که با استناد به نص تورات و بر اساس اجتهاد و استنباط شخصی بیان شده‌اند. به تعبیر دیگر، هلاخا واژه‌ای عبری به معنای «قوانین غیر مکتوب»^۳ است که در اصطلاح به آن «تفسیر شریعت» نیز می‌گویند.

در تعریفی دیگر از هلاخا، آن را «عبارت از شرحها و تفسیرهای منطقی گروهی از عالمان یهودی درباره احکام تورات و نظریاتی که «عزرا» برای نجات ملت یهود اظهار کرده بود [دانسته‌اند] که هدف آن زنده نگهداشتن وجدان و هوشیاری یهود است. «هلاخا» اصول زندگی فرد یهودی را در قالب ریخته و نیز قدمهای او را استوار و هدایت می‌کند»^۴. هلاخا همان «فتوا»^۵ است که تورات از آن سخن گفته و «تجاوز به چپ یا راست»^۶ از آن را گناه دانسته است.

«آگادا» نیز در لغت به معنای داستان و حکایت است و در اصطلاح تلمودی، به «هر چیزی در تلمود اطلاق کرده‌اند که هلاخا نباشد. به‌طور کلی آگادا مشتمل است بر امثله یا داستانهایی که برای رفع ابهام می‌آید، تکه‌هایی از زندگی‌نامه، تاریخ، پزشکی، سحر، تشویق افراد به پاکدامنی و پیروی از شریعت. اغلب اوقات بعد از بحث درباره موضوع بفرنج و ملالت آور، برای انبساط خاطر طلاب علوم، داستانی از آگادا [به تعبیر درست‌تر،

1. Halakhah

2. Aggada

۴. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۳.

۳. تاریخ جامع ادیان، ص ۵۵۸.

۶. همان‌جا.

۵. سفر تثنیه: ۱۷ - ۱۲.

داستانی آگادایی] نقل می‌شد.^۱ آگادا در میان مجموعه مطالب تلمود «معرف بخشی از ادبیات علمای یهود است که از بخش قوانین مجزاست... درست همان طور که علمای یهود می‌کوشیدند برای تصمیمات و فتواهای خود، از متن تورات دلایلی به دست آورند، همان گونه سعی می‌کردند در سهای اخلاقی و روحانی خود را با ذکر شواهدی از همان منبع تأیید و تقویت نمایند».^۲ اگر هلاخا را «شریعت مجسم»^۳ خوانده‌اند، آگاداران نیز باید «روایاتی آزاد [دانست] که قانونی که اثر اخلاقی بر خود دارد، آن را تنظیم می‌کند».^۴ البته باید توجه داشت که اعتبار و ارزش هلاخا و آگادا متفاوت است. «هلاخا یک حکم دینی محسوب می‌شود و تاروزی که به وسیلهٔ یک مرجع تقلید صلاحیت دار نسخ نشده، عمل به آن واجب است [اما] آگادا... به عنوان نظر شخصی دانشمندان به شمار آمده و برای جامعه به صورت کلی یا فردی دارای نیروی الزام آور نبوده است».^۵

منابع تلمود

علاوه بر میشنا و تعالیم اموراییم بابل یا فلسطین، از منابع دیگری نیز در تهیه و تدوین تلمود استفاده شده است. از آن جمله می‌توان از موارد ذیل نام برد:

الف) آن دسته از تعالیم ربی‌های میشنا (تناییم)، که در خود میشنا نیامده است. به این منابع اصطلاحاً «میشنای خارجی»^۶ یا به زبان آرامی «برایتا»^۷ می‌گویند. برایتا انواع و اقسامی دارد که از باب نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. میدراش تناییمی^۸ (یا هلاخایی): در هر جای تلمود که متن اصلی تورات آمده باشد، به ویژه آنجایی که بحث مسایل قانونی و شرعی مطرح است، «اغلب با نقل یک «برایتا» که به ظاهر، نظر دیگری درباره حکم مورد بحث دارد، آغاز می‌شود».^۹ بسیاری از این میدراش‌های تناییمی که در تلمود آمده‌اند، شبیه دیگر آثار میدراشی نظیر «مخیلتا»^{۱۰} در شرح سفر خروج، «سيفرا»^{۱۱} در تفسیر سفر لایوان، یا «سيفره»^{۱۲} در سفر

۱. تاریخ تمدن، ج ۴، بخش اول، ص ۴۴۸.

۲. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۴.

۳. همان‌جا.

۴. همان، ص ۲۵.

۵. همان، ص ۲۰.

6. External Mishnahs

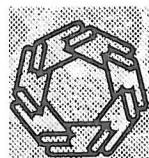
7. Braita

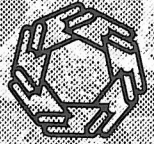
8. Tannaitic (Halakhaic) Midrash

۹. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۱.

10. Mekhilta

11. Sifra





اعداد و تشبیه، هستند. اینها همه کارهایی هستند که از مکتب علمی «عقیوا بن یوسف»^۱ و «یشماعیل»^۲ ناشی شده‌اند.

۲. برایتاهای ضمیمه شده به میشنا: این منابع شباهت زیادی به «توسیفتا»^۳ دارند؛ توسیفتا به معنای ضمیمه یا متمم، اثری تنایمی است که مطابق فهرست و چینش مطالب میشنا تنظیم شده است و توضیحاتی درباره موضوعات علمی و «مطالب اثباتیه‌ای است که معمولاً از «میشنا» حذف شده است»^۴. رابطه دقیق این اثر با مجموعه رسمی احکام یهود همچنان در حال‌های از ابهام است.

۳. چندین منبع دیگر تنایمی که فقط در تلمود بابلی از آنها استفاده شده است.

ب) تعالیم اموراییم فلسطینی

علی‌رغم همه تبعیدها و سخت‌گیری‌ها، سرزمین فلسطین همچنان به مطالعه و تحقیق در تورات ادامه می‌داد و مرکزی برای تعلیم تورات محسوب می‌شد. در آنجا نیز با همان شیوه و روش رایج حوزه‌های علمیه بابل، باب اجتهاد و استنباط باز و مجالس درس و بحث برپا بود. فعالیت‌های علمی و تحقیقی آنها را می‌توان در پیکره تلمود فلسطینی یافت. در تلمود فلسطینی، از این منابع بسیار استفاده شده است.

ج) آگادا

چنان که در مبحث مربوط به آگادا شرح دادیم، آگادا آن دسته از تعالیم ربانی است که به مسایل شرعی مربوط نیست. آگادا از منابع تلمودی محسوب می‌شود و می‌توان آن را در طبقات ذیل دسته بندی کرد:

۱. تفسیرهای کتاب مقدس که اغلب از مواعظ کنیسه‌ها اخذ شده‌اند؛

۲. تعالیم، معیارها و نکات اخلاقی؛

۳. حکایات و داستانهایی که درباره ربه‌های یهود نقل شده‌اند؛

۴. عقاید و آداب و رسوم عامه مردم و جزئیاتی از فرهنگ عمومی جامعه [فولکدر]

به‌ویژه مسایلی نظیر اعتقاد به نیروهای جادویی و برخی دستورات عملی‌های طبی عامیانه.

1. Rabbi Akiva

2. Rabbi Ishmael

3. Tosifita

۴. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۰.

د) فتوای شرعی ربی‌ها

باید تأکید کنیم که کتابت «سنت شفاهی» در طی دوره شکل‌گیری تلمود، مجاز نبود. لذا فتوای شرعی فقیهان و دیگر منابعی که مورد استناد تلمود هستند، به نقل از حافظان شریعت شفاهی است، که سینه به سینه نقل شده و به نسل‌های بعدی - تدوین‌کنندگان نهایی تلمود - رسیده است. لذا استفاده از آرا و نظرات فقهی عالمان دین و وارد کردن آن در متن تفسیرها شیوه‌ای رایج بود.

فهرست مطالب تلمود

از آنجا که میشنا محور اصلی مباحث تلمود است، چنانچه با نظری به صفحات تلمود اصلی که متن میشنا در وسط و گماراها در حواشی آن نوشته شده است، این امر کاملاً روشن است، لذا چینش و فهرست مطالب آن درست به همان ترتیبی است که در میشنا آمده است؛ یعنی همان‌طور که آغازین بخش میشنا، «سدر زراعیم» و بخش پایانی آن «طهاروت» است، تلمود نیز همین‌گونه است.

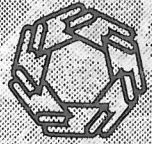
اما با این حال، تلمود، به‌ویژه تلمود بابلی - که در واقع امروزه هرگاه از تلمود سخنی به اطلاق گفته می‌شود، به نحو غالب، تلمود بابلی مراد است - از بعضی جهات تفاوتی با میشنا دارد: از مجموع ۶۰ رساله میشنا که در ۶ بخش آمده است، حدود ۳۷ رساله در تلمود بابلی آمده است. البته ناگفته نماند که تلمود، تقسیم‌بندی دیگری از بخش‌ها ارائه کرده است که طبق آن، تعداد رساله‌ها به ۶۳ عنوان رسیده است.

در اینجا به موارد اختلاف فهرست مطالب تلمود به ویژه تلمود بابلی با میشنا می‌پردازیم:

الف) تقریباً تمامی رساله‌های بخش موعده (درباره روز شنبه و دیگر اعیاد و مناسبت‌های سال)، بخش ناشیم (درباره حقوق خانواده) و بخش قداشیم (درباره معبد و عبادت قربانی) در تلمود آمده است.

ب) از بخش زراعیم میشنا (که درباره مقررات کشاورزی است) تنها رساله «براخوت»^۱ که حاوی ادعیه و نمازهای یومیه است، در تلمود بابلی آمده است. علت حذف بقیه رساله‌ها را معمول نبودن مطالب آنها در بابل ذکر کرده‌اند.

ج) از بخش طهاروت (درباره احکام طهارت) به استثنای رساله «نیداه»^۲ که درباره



دماء ثلاثه، مسایل شرعی خاص زنان، از جمله احکام حیض و نفاس بحث می‌کند که همچنان جنبه عملی دارد، بقیه رساله‌ها در تلمود بابلی مطرح نشده‌اند.

زبان تلمود

زبان هر دو تلمود با هم فرق دارد؛ هر کدام دارای گویش خاصی از زبان آرامی هستند؛ «گمارای فلسطینی به لهجه آرامی غربی نوشته شده و بسیار شبیه به زبان آرامی کتابهای «عزرا و دانیال» است. اما گمارای بابل با لهجه آرامی شرقی کتابت شده است». از سوی دیگر، با زبان عهد عتیق و میشنا، که عبری است، نیز تفاوت دارد؛ اگر چه زبان عبری میشنا، عبری بومی است و با عبری عهد عتیق اندکی متفاوت است.

تفسیر تلمود

از همان ابتدا، فهم تلمود حتی برای با استعدادترین عالمان یهود مشکل می‌نمود. ویرایش غیر روشمند و نامنظم تلمود، موجب شده بود که درک هر بخش از آن بدون شناخت و معرفتی پیشین از زمینه‌ها و مبانی مفاهیم و اصطلاحات - یا به تعبیر مسامحه‌آمیز، شأن نزول مطالب - ناممکن شود. زبان نامأنوس آرامی تلمود نیز مشکلی مضاعف بود. در این میان، یهودیان خارج از سرزمین بابل یا فلسطین، به‌خاطر عدم دسترسی به فقیهان، مشکلات بیشتری را متحمل می‌شدند. در ابتدا، با ارسال پیک و طرح پرسش و استفتا از فقیهان و حکیمان تلمودی، حل مشکلات و ابهامات خود را جست‌وجو می‌کردند. همین نامه‌ها که از سوی یهودیان خارج از سرزمین بابل یا حتی از طرف شاگردان آنها که در بابل ساکن بودند، ارسال شده بود و در آنها از معانی واژه، اصطلاح یا شرح و تفسیر عبارتی از تلمود پرسش شده بود و مجموعه پاسخها و فتاوی فقیهان، اولین تفسیرهای تلمود را رقم زدند. البته در این زمان که رویکردی به تفسیر تلمود ظهور کرده بود، دیگر نه از تنابیم خبری بود و نه از اموراییم؛ حال می‌بایست از «گائون‌ها»^۱ سخن گفت؛ اینان کسانی بودند که گامهای اولیه را در مسیر تفسیر تلمود برداشتند. گائون در ابتدا به معنای رئیس دارالعلم یا حوزه علمی به کار می‌رفت. اینان وارثان اموراییم و مراجع اصلی و اولیه شرح و تفسیر تلمود بودند. گائون‌ها در تدریس و تفسیر تلمود، از همان سنت و سبک اموراییم پیروی می‌کردند.

با گذشت زمان و در ادامه تلاش گائون‌ها، عالمان و دانشمندان یهود، شرح و تفسیرهای متعددی بر تلمود نوشتند که پرداختن به همه آنها از حوصله این تحقیق خارج است و تنها به بعضی از معروفترین آنها اشاره‌ای اجمالی می‌کنیم. اما قبل از آن باید تأکید کنیم که مطالعه تلمود و تحقیق و تفحص در آن بدون در نظر گرفتن این تفسیرها، اگر نگوییم ناممکن است، باید بگوییم که ناقص و عقیم خواهد بود. در اینجا تعدادی از تفسیرها را معرفی می‌نماییم:

۱. تفسیر ربی حنانل بن حوشئیل:^۱ این تفسیر، اولین تفسیر مهمی است که بر اساس مکتب فکری یهودیان اسپانیا و شمال آفریقا، سفاردی،^۲ درباره تلمود نوشته شد. از خصوصیات این تفسیر می‌توان به ایجاز فوق العاده و دوری جستن از طرح مسایل جزئی اشاره کرد. نویسنده گاهی با ذکر عبارت «و این ساده است»، از تفسیر بخش معینی از تلمود چشم می‌پوشد.

۲. تفسیر «کلید قفلهای تلمود»^۳ اثر ربی نیسیم گائون:^۴ او در تدوین و نگارش این اثر، که در مقایسه با تفسیر ربی حنانل منسجم تر است، همان شیوه ایجاز گویی و پرهیز از طرح مباحث جزئی را پیشه خود می‌سازد.

این دو تفسیر گنجینه تعالیم و تفسیرهای گائونی است.

۳. تفسیر ربنو گرشوم:^۵ او تفسیری مختصر در شرح بخشهایی از تلمود نوشته است. او را به خاطر فتوایهای مهمی که در دوران «پراکندگی» صادر کرد، «چراغ روشنایی عصر پراکندگی»^۶ لقب دادند.

۴. تفسیر راشی: او که نام اصلی اش ربی شلومو تروایی^۷ است، از شاگردان ربی گرشوم به حساب می‌آید. راشی در قرن دوازدهم می‌زیست و در حوزه‌های آلمان و فرانسه تحصیل کرد. احکام هلاخایی، فتواها و اشعار مذهبی زیادی از او بر جای مانده است که ابیاتی از آنها امروزه جزء ادعیه مشهور یهود است. اما بزرگترین دستاورد او یکی تفسیر

1. Rabbi Hananel Ben Hushiel

2. Sefardi. لقب یهودیان اسپانیا و شمال آفریقا است.

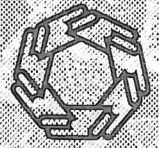
3. Mafteah Manulei Ha - Talmud (A key to the locks of the Talmud) See: Steinsaltz; Adin7 the ESSENTIAL TALMUD P.67

4. Rabbi Nissim Gaon

5. Rebbenu Gershom

6. Maor Ha - golah (light of the Diaspora)

7. Rabbi shlomo (Rashi)



کبیرش بر کتاب مقدس و دیگری اثر جاودانش درباره «تلمود بابلی» است. او در تفسیر تلمود، سبک و روش تفسیری خاصی ارائه می‌کند و همین امر موجب شده است تا تفسیرش الگوی تمام تفسیرهایی شود که به زبان عبری ناب نگارش یافته‌اند. این ضرب المثل عامیانه که «در زمان راشی گویی هر قطره مرکب یک سکه طلا می‌ارزید»^۱ کنایه و در واقع شکوه‌ای عامیانه از ایجاز و اختصار بسیار زیاد تفسیر راشی است.

۵. تفسیر توسافوت:^۲ تفسیری گروهی حاصل تلاش شصت تن از اندیشمندان بزرگ یهود به نام «توسافست»^۳ که با الگوگیری از تفسیر راشی آن را نوشته‌اند. گرد آورندگان با پژوهش دقیق در تلمود، اثری را خلق کرده‌اند که بر آن نام «تلمودی بر تلمود»^۴ نهادند.

۶. تفسیرهایی که از آنها نام بردیم، به ترتیب، به مکتب فکری سفاردی و اشکنازی^۵ تعلق داشتند. اما در فرانسه نیز مرکزی به وجود آمده بود که نظام فکری آن بینابین این دو مکتب بوده است. عالی‌ترین دستاورد این مرکز، کتاب «بیت البَحیرا»^۶ نوشته «ربی شلوموبن مناهم»^۷ معروف به «هامیری»^۸ است؛ در این تفسیر، شرح‌های تحت‌اللفظی علمای اشکنازی با تلخیص‌های هلاخایی مکتب سفاردی، در هم آمیخته شد. بعدها با اخراج یهودیان از فرانسه، در قرن دوازدهم، این مرکز نیز از بین رفت.

۷. تفسیر هیدوشی آگادوت و هلاخوت^۹ (داستانهای مبتنی بر آگادها و هلاخاها): این تفسیر، از مهمترین تفاسیری است که بر تلمود نوشته شده است. نویسنده این اثر، ربی سموئیل الیعزار اِدلز^{۱۰} معروف به «مهارشا»^{۱۱} می‌باشد. او بر خلاف بسیاری از مفسرین که از عنصر آگادایی در تلمود غفلت کردند، تفسیری پردامنه از شرح حکایاتها ارائه داد.

آنچه درباره تفسیر تلمود گفته شد، گوشه‌ای از هزاران نکته در این باب است. در این مقاله مجال آن نیست که به تمامی تفسیرها بپردازیم و از شتاب چاپ و انتشار تفسیرهای تلمود بعد از اختراع صنعت چاپ سخن، و در نهایت، از علمای معاصر و شرح‌های آنها بر تلمود سخن بگوییم.

1. Steinsaltz; Adin , *the ESSENTIAL TALMUD* , P.68

2. Tosafot

3. Tosafist

4. «*Talmud on the Talmud*» See: Steinsaltz, *THE ESSENTIAL Talmud*, P.70

۵. Ashknazi ، اصطلاحی است که در مقابل مکتب فکری سفاردی بر متفکران و مکتب فکری آلمان اطلاق می‌شود و علت آن ظاهراً این است که آنها به اشکناز نواده یافت نسبت می‌بردند. ر.ک: تاریخ تمدن، ص ۴۲۲.

6. Bet Ha-Behira see (Ibid).

7. R.Sholomo Ben Menahem.

8. Ha-Meir

9. Hídušei Aggadot Ve-Halakhot.

10. R. Samuel Eliezer Edels.

11. Maharsha.

چاپ و انتشار تلمود

اگر چه بعد از گرد آوری تلمود، به خاطر ضرورت‌های آموزشی، یک یا چند نسخه از آن استنساخ شد، اما با توجه به گرانسنگ، حیاتی و حجیم بودن این مجموعه و دشواری استنساخ، تلمود تا مدت‌ها در حصار مرزهای فلسطین و بابل یا به عبارت دقیقتر در چهار دیواری حوزه‌های علمیه قدیم باقی مانده بود و اندک نسخه‌های دست نویس که توسط طلاب و از روی مجموعه اوراق یا با بهره‌گیری از حافظه قوی بعضی از آنها تهیه شده بود، تنها برای حوزویان قابل استفاده بود و عموم مردم از آن محروم بودند و یا اگر به آن دسترسی پیدا می‌کردند، قادر به فهم آن نبودند.

در این میان، وضع اقتصادی نامناسب یهودیان آن زمان نیز اجازه نمی‌داد که نسخه برداری در سطح وسیعتری صورت پذیرد؛ لذا کار کتابت تلمود که بنا به نقلی حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار واژه را در خود جای داده است، در عین حال که کاری بس عظیم و پر اهمیت بود، دشوار و پر مشقت نیز می‌نمود. علی‌رغم همه این مشکلات، در طی زمان، نسخه‌هایی از تلمود تهیه شد.

بعد از اختراع صنعت چاپ، یهودیان اقبال شایان توجهی به این صنعت نشان دادند؛ چاپ تلمود را شتاب بخشیدند و با بهتر شدن اوضاع اقتصادی در راه چاپ تلمود هزینه‌های زیادی صرف کردند. سخن دربارهٔ چاپ‌های اولیه تلمود، اولین ناشران، کیفیت توزیع و عرضه آن به بازار، از موضوع اصلی این نوشته خارج است. اما قبل از خاتمه بحث در این مقال، به دو نکته دربارهٔ چاپ تلمود اشاره می‌کنیم:

۱. در میان ناشران تلمود، از انتشارات «بومبرگ»^۱ باید به عنوان اولین ناشری که به چاپ تلمود اقدام کرد، نام برد. چاپخانهٔ دانیال بومبرگ مسیحی، اولین ویرایش تلمود را در سال ۱۵۲۰ م. در پی اجازه پاپ نهمین^۲ در شهر ونیز عرضه کرد.^۳ چاپ تلمود بابلی در سالهای ۱۵۲۰ - ۱۵۲۳ م. و «تلمود فلسطینی» در سالهای ۱۵۲۳ - ۱۵۲۴ م. انجام گرفت. «صفحه بندی خاصی که «دانیال بومبرگ» به کار برد، تقریباً در تمامی چاپ‌های بعدی حفظ شده است. وی تلمود فلسطینی را بدون هیچ‌گونه تفسیری چاپ کرد. مطالب هر صفحه از آن، در دو ستون تنظیم شده است. اما تلمود بابلی را با قسمتی از گمارا در وسط صفحات چاپ کرد که در یک طرف آن تفسیر «ربی شلومو بن اسحاق» که به نام

1. Bomberg

2. PoPeleox

3. Steinsaltz; Adin, *the ESSENTIAL TALMUD*, p. 76.



سپهرنگار



«راشی» معروف است، دیده می‌شود و در طرف دیگر، یاداشتها و توضیحات مفسران بعدی».^۱

۲. مشکلات چاپ و توزیع تلمود، صرفاً مسایل اقتصادی، نیروی کار انسانی و فقدان صنعت چاپ نبود؛ تعقیب، آزار و اذیت یهودیان و دست‌اندرکاران این وظیفه خطیر را نیز باید به آن اضافه کرد. بیان تمامی حوادثی که در طول تاریخ بر تلمود و ناشران آن گذشت، خود رساله‌ای جداگانه می‌طلبد. اما به این چند نکته اشاره کنیم که کلیسا و جامعه مسیحی مشکلات زیادی بر سر راه چاپ و نشر تلمود ایجاد کرده بودند؛ چاپخانه‌ها را بستند، ناشران و دست‌اندرکاران را شکنجه کرده، حبس نموده و یا به دار آویختند و به بهانه‌های گوناگون تلمود را به آتش کشیدند و خونهای زیادی در این مسیر بر زمین ریختند. از حکم حاکمان مسیحی به ممنوعیت مطالعه، تحقیق و نشر تلمود، که تا مدت‌ها به اعتبار خود باقی بود، همچنین از تلاش روحانیت مسیحی در جهت معرفی تلمود به عنوان یکی از «کتب ضاله» که در آن به مسیح توهین شده است، سخن نمی‌گوییم.

اگر تلمود همچنان باقی است، این بقا مرهون زحمات فقیهان و حکیمان یهود و بیش از همه مدیون آزاد اندیشی پارسیان و فضای آزاد حاکم بر سرزمین پارس و نیز فضای باز حاکم بر جوامع اسلامی - بعد از ظهور و گسترش اسلام به مناطق یهودی نشین یا دیگر ممالک که بعداً یهودیان به آنجا کوچ کردند - می‌باشد. یهودیان ساکن کشورهای اسلامی با بهره برداری از حسن معاشرتی که مسلمانان بنابه تعالیم دینی خود، با آنها داشته‌اند، توانسته‌اند، خود، دین خود و تلمود را حفظ کنند. این حقیقتی است که اغلب تاریخ نویسان و حتی بعضی عالمان و مورخان یهود، علی‌رغم بعضی تعصبات، بدان اذعان داشته و گفته‌اند که هر چه مسیحیان بر یهودیان سخت گرفتند، مسلمانان بر مبنای شریعت سهله و سمحه خود با آنها از در تسامح و تساهل وارد شدند.

سخن آخر

تلمود به عنوان تفسیری بر میشنا، مجموعه‌ای حاوی شریعت شفاهی یهود و فتاوی فقیهان این قوم، از آثار مهم و ارزشمند در ادبیات دینی یهود است. این کتاب با تمام ویژگیها و مزایایی که دارد، حاوی مطالبی نیز هست که در نگاه اول و به دور از هرگونه تأویل و تفسیری، بشیار ناپسند و غیرعقلایی می‌نماید. «ملی‌گرایی افراطی»، تبلیغ

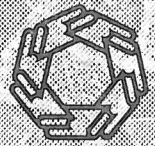
اندیشه «قوم برتر و برگزیده» و اعتقاداتی نظیر «واجب القتل و مهدور الدم دانستن غیر یهودی، سرور شمردن یهودی و برده دانستن غیر یهودی، از هر مرام و مسلکی که باشد»، و مطالبی از این دست که علی‌رغم تمام سانسورها و تمیزها در لابه‌لای تلمود یافت می‌شوند، همه و همه مسایلی هستند که چهرهٔ تلمود را ناهنجار ساخته است. تمسک یهودیان سست ایمان یا بی‌ایمان افراطی، از جمله صهیونیستها به بعضی از فتاوا و مطالب مطرح شده در تلمود، در توجیه قتل و غارت سرزمینهای اسلامی، از جمله مواردی است که بعضی از منتقدان تلمود، در نفی ارزش و اعتبار تلمود به آنها تمسک جسته‌اند. تلمودی که هم اینک در دسترس جهانیان است (که یکی از چایهای آن حدود هجده جلد است) «بنا به گفته دایرةالمعارف یهود، اکثر نسخه‌های آن بر اساس نسخهٔ «تطهیر شده» است و حاوی مطالب دوزخی نسخه و نیز که واتیکان دستور آتش زدن آن را صادر نمود، نمی‌باشد».^۱ اما آیا چنین سخنی را می‌توان باور کرد؟ پاسخ به این سؤال، تحقیق دیگری را در بررسی محتوای تلمود ایجاب می‌کند.

کتابنامه

منابع فارسی

۱. کتاب مقدس، ترجمهٔ فارسی، انجمن بخش کتب مقدسه در میان ملل.
۲. اعلم، امیر جلال الدین، فرهنگ اعلام کتاب مقدس، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
۳. بوش، ریچارد و دیگر نویسندگان، جهان مذهبی، ج ۲، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۴. توفیقی، حسین، نگاهی به ادیان زنده جهان، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران، ۱۳۷۷.
۵. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، بخش اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.
۶. رضایی، عبدالعظیم، تاریخ ادیان جهان، ج ۱، انتشارات علمی.
۷. رضی، هاشم، ادیان بزرگ جهان، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۶۰.
۸. زرین کوب، عبدالحسین، در قلمرو وجدان، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

۱. ظفر الاسلام خان، نقد و نگارش به تلمود، ترجمه محمدرضا رحمتی، ص ۵۰.



۹. شاهاک، اسراییل، تاریخ یهود - مذهب یهود، ترجمه مجید شریف، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۶.
۱۰. ظفر الاسلام خان، نقد و نگرشی به تلمود، ترجمه محمدرضا رحمتی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹.
۱۱. کهن، ۱، گنجینه‌ای از تلمود، حی، یهودا، چاپ زیبا، ۱۳۵۰.
۱۲. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲، نشر سینا، ۱۳۷۳.
۱۳. مشکور، محمد جواد، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، انتشارات شرق، ۱۳۶۹.
۱۴. ناس؛ جان. بی؛ تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۵. هاکس، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۶. هیوم، رابرت، ۱، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

منابع انگلیسی

1. Gemara (Talmud) (WWW.acs.ucalgary.ca/elsegal/Talmudmap/Gemara.htm).
2. Mishnah, (Ibid).
3. Resnik; Hemry; *Conversations With the Talmud, Newyork, Kolllel talmud course* (WWW.Kollel).
4. Steinsaltz; Adin, *the Essential Talmud*, 1976, chaya Galai Basic Books, Inc., Publishers.

